**الگوهای قرآنی**

پدید آورنده : حسین حیدری ، صفحه 10

|  |
| --- |
| **درآمد:**  چگونه باید دل آدمی شیدایی پیشه کند و رسم دلدادگی ر بیاموزد و تا مرز «لاتُلْهی شدن» پیش برود که «رجال لاتلهی تجارة و لا بیع عن ذکر الله و اقام الصلوة و آیتاء الزکاة»1.  این دل چه جوهرة لاهوتی دارد که مأذون است به پر کشیدن و بالا رفتن و از خود گذشتن و جمال دوست را به تماشا نشستن؟ چگونه است که گاهی آدمی نه یک دل، که صد دل عاشق حضرت دوست می شود و از خود بیخود می گردد و با اهل سموات همنشینی می کند و سرانجام از اهل ایمان می شود که «و الذین آمنوا اشدّ حبا لله»2؟  کیانند شیداییان دلسوخته و پریشان احوالان دل افروخته ای که از این دل سنگ صفت کینه توز، چشمه هایی از آب زلال و گوارا و آشامیدنی هایی لذت بخش جاری می کنند؟  کجایند آن حماسه سازان عالم قدس که با لاهوتیان هم آوا شدند و با کروبیان سرود حضور سردادند و از شراب طهور جرعه جرعه نوشیدند.  آری سخن، سخن مردان خداست. آن شوریده دلان پاکباخته که در ره دوست جانفشانی کردند و دست از عالم ملک شستند و در فضای ملکوت به پرواز درآمدند.  سخن از آدم برگزیدة خداست. سخن از ابراهیم علیه السلام دوست خداست. سخن از موسی علیه السلام کلیم خدا، سخن از عیسی علیه السلام روح خدا و سخن از محمد صلی الله علیه و آله و سلم آیینه تمام نمای خداست. و سخن از داوود، سلیمان، الیاس، ادریس، یوشع، یسع و یونس علیهم السلام است.  سخن همان یونس است که معراج جسمانی خود را نه در آسمان، بلکه در آب در نوردید.  سختی های راه را به جان خرید و از حضیض دل ماهی به عزیز قرب رب العالمین رسید.  سخن از مردی است که طنین ذکر «لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین» او هنوز قلوب مردان خدا را صیقل می دهد و شاه کلید اذکار اولیاءالله است. سخن از مردی است که در اثر لغزشی کوتاه، با توبه و انابه و استغفار، صبر و تحمل و رنج، توکل و خوف و رجاء، ذکر و صمت3 و سهر4، عزلت و شجاعت و مراقبه، درهای آسمان را به روی خود، می گشاید و به مقام «عند ربهم» پر می کشد و به سمت حق هجرت می کند که «إنَ الَّذینَ آمَنُوا وَ الَّذینَ هاجَروُا وَ جاهَدُوا فی سَبیلِ اللهِ اولِئکَ یَرْجُونَ رَحْمَتَ اللهِ وَ اللهُ غَفُورٌ رَحیمٌ؛5 کسانی که ایمان آوردند و کسانی که هجرت کردند و در راه خدا جهاد نمودند آنها به رحمت پروردگار امیدوارند و خداوند آمرزنده مهربان است».  ما در این مجموعه نوشتار سعی می کنیم که به بررسی ابعاد اخلاقی عرفانی حضرت یونس علیه السلام بپردازیم. در این قسمت نخست اشاره کوتاهی به زندگی او داریم و سپس مقامات و درجات معنوی ایشان را در قرآن بررسی می کنیم و در بخش بعدی به پاره ای از مسائل سلوکی این بزرگ مرد خواهیم پرداخت.  **آشنایی اجمالی**  بنابر آنچه در تاریخ حکایت شده، حضرت یونس علیه السلام معاصر حضرت الیاس نبی علیه السلام بوده است6. بعد از حضرت سلیمان علیه السلام برای هدایت مردم نینوا مأموریت می یابد7. پدر ایشان متی نام داشته که ظاهراً معاصر حضرت داوود علیه السلام بوده است.  حضرت یونس در 33 سالگی به نبوت مبعوث می شود و 33 سال نیز به هدآیت قوم خود می پردازد و آنها را به ایمان به خدا و تصدیق نبوت و پیروی از فرامین الهی فراخواند، اما آنها به رسول خدا ایمان نیاوردند و از او پیروی نکردند. وقتی حضرت یونس علیه السلام اصرار آنان را بر ستم و ستم پذیری و دین گریزی دید، دست به نفرین برداشت و برای قوم خود طلب عذاب کرد. حق تعالی وعده داد که خواستة او را مستجاب می کند. حضرت یونس علیه السلام بعد از اطمینان از عذاب الهی، از قوم خود فاصله گرفت؛ به کنار ساحل آمد و تصمیم گرفت با کشتی به دیار دیگری سفر کند.  اما این پایان کار نبود؛ چون وقتی قوم او آثار عذاب الهی را مشاهده کردند، دست به دعا برداشتند و استغفار کردند و رحمت حق شامل حالشان گردید و عذاب الهی از آنها برداشته شد. در آیه شریفه آمده است: «فَلَولا کانتْ قَرْیه آمَنَتْ فَنَفَعَها ایمانُها اِلّا قَوْمَ یونُسَ لَمّا آمَنوا کَشَفْنا عَنْهُمْ عَذابَ الخِزْی فی الحیاةِ الدُّنیا وَ مَتَّعْناهُمْ إلی حینٍ؛8 چرا هیچ یک از شهرها و آبادی ها ایمان نیاوردند که (ایمانشان بموقع باشد، و) به حالشان مفید افتد؟! مگر قوم یونس، هنگامی که ایمان آوردند، عذاب رسوا کننده را در زندگی دنیا از آنان برطرف ساختیم و تا مدّت معیّنی [پایان زندگی و اجلشان ] آنها را [از نعمت های خود] بهره مند ساختیم».  حضرت یونس علیه السلام در دریا مشغول سفر بود. ناگاه امواج دریا به خروش آمدند و نهنگی در آن میانه پدیدار شد. ساکنان کشتی وقتی که دیدند نهنگ قصد شکستن و واژگون ساختن کشتی و غرق کردن آنان را دارد به این نتیجه رسیدند که این ماهی عظیم گرسنه است و مجبورند از میان خود فردی را به قید قرعه و برای تأمین غذای آن فدا کنند اما هر بار قرعه به نام حضرت یونس علیه السلام در می آمد. با اینکه اهل کشتی نمی دانستند که او پیامبر و فرستاده خدا است؛ اما وی را مردی وجیه و بزرگوار یافته بودند. حضرت یونس علیه السلام نیز دریافته بود که این نهنگ، او را طلب می کند. بنابراین با رضآیت خود، در کام نهنگ قرار گرفت و پس از چندی تأمل، دریافت که علت این حادثه، تقاضای زود هنگام عذاب قوم خود از خدا و کناره گرفتن از ایشان بوده است. پس از اینکه به ترک اولای خود پی برد، و از خدای تعالی طلب بخشش کرد و خود را از ظالمین خواند، حق تعالی نیز او را مورد نوازش خود قرار داد و او را از شکم ماهی رهانید و باز او را برای هدآیت قومش -که از صد هزار نفر افزون تر بودند- فرستاد9.  **حضرت یونس علیه السلام در آیینة قرآن**  قرآن کریم برای حضرت یونس علیه السلام چهار مقام و منزلت بر می شمارد:  **1- مقام نبوت**  نبی کسی است که وحی بر او نازل می شود و آنچه را که به وسیله وحی دریافت می دارد، چنانچه مردم از او بخواهند، در اختیار آنها قرار می دهد10.  **2- مقام رسالت**  مقام رسول، بالاتر از مقام نبی است. مقام رسالت یعنی مقام ابلاغ وحی و تبلیغ و نشر احکام خداوند و تربیت نفوس از طریق تعلیم و آگاهی بخشیدن. پس رسول موظف است که در حوزه مأموریت خود به تلاش و کوشش بپردازد و برای دعوت مردم به سوی خداوند و ابلاغ فرمان او کوشا باشد و برای یک انقلاب فرهنگی، فکری و عقیدتی آماده باشد11. حضرت یونس علیه السلام نیز با دارا بودن این مقام،12 به هدآیت و تعلیم و تزکیه و رهایی قوم خود از یوغ بت پرستی، عناد و کفر پرداخت و در سالیان طولانی رسالت خود، از این مهم باز نایستاد.  **3- مقام اجتباء(برگزیدگی)**  این مقام به بعضی از مرسلین و اولیای الهی تعلق می گیرد. همان طور که در ادامه آیت مورد نظر به این مقامات اشاره شده است13.  کلمه «اجتباء» با توجه به ماده آن به معنای جمع کردن همراه با انتخاب خاص و امتیاز خاص و اختیار می باشد.14  **4- مقام صالحین**  معنای صَلاح: هر چیزی که از فساد سالم باشد، شامل این کلمه می شود و معنای این کلمه، ضدّ فساد است. صلاح در سه چیز تحقق می یابد: ذات، عقیده و عمل. اما غالباً از آن در عمل و فعل انسان استفاده می شود. صلاح در قرآن، هم در مقابل فساد آورده می شود و هم در مقابل گناه. صلاح مطلق که به معنای مطلق شایستگی است، قدم اول و مرحله اول برای رسیدن به کمال است. برای اینکه اعمال انسان مورد رضآیت خدای تعالی قرار گیرد، اولین قدم آن است که اعمال انسان آلوده به فساد و گناه نشود. براساس آیات قرآن آخرین درجات قرب حق تعالی نیز با تحقق عمل صالح همراه می باشد. باید دانست که صلاح در عمل، فقط بعد از اصلاح باطن و عقیده و قلب میسر می شود. آثار و نتایجی که برای این مرتبه از صلاح در قرآن آمده، عبارت است از: بهشت برین، توبه کردن خدا برای بنده، پاداش دو برابر و بی منت، نور، تبدیل شدن گناهان به نیکی ها15.  واژه صالح اسم فاعل است و در قرآن گاهی برای توصیف عمل آورده می شود؛ مثل: «إِلَیْهِ یَصْعَدُ الْکَلِمُ الطَّیِّبُ وَ الْعَمَلُ الصَّالِحُ یَرْفَعُهُ»16. عمل صالح در این گونه آیت، به شایسته بودن عمل در نزد خدا اطلاق می شود و عملی را گویند که مورد رضآیت او قرار گرفته است. گاهی هم شخص و فردی را توصیف می کند؛ مثل: «فَاجْتَباهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحینَ»17. معنای آیه چنین می شود که در وجود این بزرگواران، شایستگی و خوبی ای هست و لذا مورد رضآیت باری تعالی قرار گرفته اند18. از آیت استفاده می شود که مقام صالحان، مقامی بس والا و عظیم است.  قرآن کریم در وصف افرادی که اطاعت کامل و بی چون و چرا از خدا و رسولش دارند، می فرماید: «فَأُولئِکَ مَعَ الَّذینَ أَنْعَمَ الله عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیِّینَ وَ الصِّدِّیقینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحینَ وَ حَسُنَ أُولئِکَ رَفیقاً19؛ کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز،) همنشین کسانی خواهد بود که خدا، نعمت خود را بر آنان تمام کرده، از پیامبران و صدّیقان و شهدا و صالحان؛ و آنها رفیق های خوبی هستند!»  مهم این است که گروه زیادی از اولیا و انبیای الهی خواستار رسیدن به مقام صالحان از حق تعالی بوده اند؛ مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که در دعای خود به حق تعالی عرضه می دارد: «رَبِّ هَبْ لی حُکْماً وَ أَلْحِقْنی بِالصَّالِحینَ20؛ پروردگارا، به من علم و دانش ببخش، و مرا به (صف) صالحان ملحق کن!» و نیز حضرت یوسف در واپسین دعای خود در سوره یوسف علیه السلام: «رَبِّ قَدْ آتَیْتَنی مِنَ الْمُلْکِ وَ عَلَّمْتَنی مِنْ تَأْویلِ الْأَحادیثِ فاطِرَ السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِیِّی فِی الدُّنْیا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنی مُسْلِماً وَ أَلْحِقْنی بِالصَّالِحینَ»21. یا در دعای بعضی از مؤمنان حقیقی، معیّت و همراهی با صالحین از خداوند متعال خواسته شده است: «وَ ما لَنا لا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَ ما جاءَنا مِنَ الْحَقِّ وَ نَطْمَعُ أَنْ یُدْخِلَنا رَبُّنا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحینَ22؛ چرا ما به خدا و آنچه از حق به ما رسیده است، ایمان نیاوریم، در حالی که آرزو داریم پروردگارمان ما را در زمره صالحان قرار دهد؟!»  این بزرگواران فراز نهایی و غایی دعای خود را ملحق شدن به صالحین قرار می داده اند و از خدای تعالی با وجود تمام عنآیتی که به آنان مرحمت داشته، باز ملحق شدن به صالحین را از مقام ربوبی درخواست می کردند. جای تأمل دارد که جایگاه واقعی این مقام در نزد خداوند تبارک و تعالی چیست؟ مرحوم علامه طباطبایی قدس سره به این نکته اشاره کرده که مراد از صالحین، حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام می باشند. ایشان برای این مطلب به آیه: «إِنَّ وَلِیِّیَ الله الَّذی نَزَّلَ الْکِتابَ وَ هُوَ یَتَوَلَّی الصَّالِحینَ»23 استشهاد می کند و می افزاید: در این آیه حضرت رسول اعظم صلی الله علیه و آله و سلم، ولی و سرپرست خود را خدا می داند و از ظاهر این آیه استفاده می شود که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همان کسی است که دارنده صلاح مورد نظر در آیه است24.  از این رو به نظر می رسد که مصداق بارز و اعلای «صالحین»، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه طاهرین علیهم السلام باشند و سایر انبیا و اولیای الهی نیز همیشه در آرزوی آن بوده اند.  **ادامه دارد...**  **پی نوشت ها**  1. سوره نور: 27.  2. سوره بقره: 165.  3. صُمت: خاموشی.  4. سَهَر: شب زنده داری، سحرخیزی.  5. سوره بقره: 218.  6. تاریخ پیامبران. ج 2.ص 840.  7. تاریخ انبیا، ص 276.  8. سوره یونس: 98.  9. همان، ص 1249.  10. تفسیر نمونه، ج 1، ص440 ،إنَّا أوْحَیْنا إلَیْکَ کَما أوْحَیْنا إلی نُوحٍ وَ النَّبِیِّینَ مِنْ بَعْدِهِ وَ أوْحَیْنا إلی اِبْراهیمَ و اِسْماعیلَ وَ اِسحاقَ وَ یَعْقُوبَ وَ الْأسْباطِ وَ عیسی وَ أیُّوبَ وَ یُونُسَ وَ هارُونَ وَ سُلَیمانَ وَ آتَیْنا داوُدَ زبَوراً، النساء: 163.  11. همان، ص 440.  12. «إِنَّ یُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلینَ»؛ سوره صافات: 139.  13. «شاکِراً لِأَنْعُمِهِ اجْتَباهُ وَ هَداهُ إِلی صِراطٍ مُسْتَقیمٍ». سوره نحل: 121؛ «فَاجْتَباهُ رَبُّهُ فَجَعَلَهُ مِنَ الصَّالِحینَ». سوره قلم: 50.  14. التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، حسن مصطفوی، (بنگاه ترجمه و نشر کتاب)، ج 2، ص 53.  15. همان، ج 6، ص 267.  16. سوره فاطر: 10.  17. سوره قلم: 50؛ «وَ وَهَبْنا لَهُ إِسْحاقَ وَ یَعْقُوبَ نافِلَةً وَ کُلاًّ جَعَلْنا صالِحینَ؛ و اسحاق و یعقوب را به وی بخشیدیم و همه آنان را مردانی صالح قرار دادیم.»، سوره انبیاء: 72.  18. ر.ک: قاموس قرآن.  19. سوره نساء: 69.  20. سوره شعراء: 83.  21. «پروردگارا، بخشی (عظیم) از حکومت به من بخشیدی، و مرا از علم تعبیر خواب ها آگاه ساختی! ای آفریننده آسمان ها و زمین! تو ولیّ و سرپرست من در دنیا و آخرت هستی، مرا مسلمان بمیران و به صالحان ملحق فرما!»؛ سوره یوسف : 101.  22. سوره مائده: 84.  23. «ولی و سرپرست من، خدایی است که این کتاب را نازل کرده و او همه صالحان را سرپرستی می کند.»؛ سوره اعراف: 196.  24. برای مطالعه بیشتر در معنای صالحین مراجعه شود به المیزان فی تفسیر القرآن، ج 1، ص 303. |